

نقش وفای به عهد در سقوط تعهد

محمد رضا دالوندی^۱، حمید آریان پور^۲

^۱ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم‌آباد، خرم‌آباد، ایران

^۲ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم‌آباد، خرم‌آباد، ایران

چکیده

هدف از انتخاب این مقاله بررسی نقش وفای به عهد در سقوط تعهد می‌باشد که به روش توصیفی و تحلیلی انجام پذیرفت، یکی از مفاهیم بیان‌کننده ارتباط انسان با خالق خود و انسان‌های دیگر و همچنین یکی از ارزش‌های مهم اخلاقی وفای به عهد است. قرآن کریم برای عهد (به‌طور مطلق) جایگاه و اهمیت ویژه‌ای قائل شده است. کلمه «عهد» و مشتقات آن ۴۶ بار و کلمه «میثاق» و مشتقات آن ۶ بار در قرآن ذکر شده است؛ بنابراین مشخص است که عهد و پیمان معنی فراوان و کاربردهای زیادی از دیدگاه فقهی و حقوقی دارد که هم شامل تعهدهای خصوصی در میان افراد در رابطه با مسائل اقتصادی و کسب‌وکار و خانوادگی و امثال آن می‌گردد و هم شامل عهد و پیمان‌هایی که در بین کشورها و افراد جامعه برقرار می‌گردد و از آن بالاتر شامل عهد الهی و بعد معنوی دارد نیز می‌شود، هم آثار حقوقی و فقهی دارد، که دارای آثار حقوقی بین طرفین عقد می‌باشد. شکستن عهد و پیمان، مجازات‌های روحانی، جسمانی و محرومیت کامل از الطاف و عنایات الهی را به دنبال دارد. در آیاتی از قرآن کریم، عهد در مفهوم‌هایی همچون امانت، امر و دستور، میثاق و عهد با خدا، عهد با مشرکین، و در لفظ‌هایی مانند ذمه، بیعت و عقد آمده است، از دیدگاه حقوقی منظور از موضوع تعهد آن چیزی است که باید در مقام تعهد ایفاء کرد. در این خصوص، موضوع تعهد ممکن است تسلیم کالا یا انجام عمل یا ترک عمل و یا پرداخت پول باشد. با توجه به اهمیت وفای به عهد از دیدگاه اسلام و تبعیت قواعد حقوقی ایران از قواعد فقهی یکی از مهم‌ترین آثار وفای به عهد از دیدگاه حقوقی اصل انجام تعهد می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: وفای به عهد، تعهد، فقه، حقوق

مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه

دوره ۴، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۷، صفحات ۴۰-۵۲